



سید محمد باقر موسوی
معاون علمی و فناوری
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دروغ‌گویی زشت و ردیلت اخلاقی است. پیامبر خدا (ص) و امامان (ع) راست‌گو بودند و هرگز دروغ نگفته‌اند و همواره مسلمانان را از دروغ‌گویی باز داشته‌اند. امام حسن عسکری (ع) در نکوهش دروغ و تبیین خطر آن فرموده‌اند: جعلت الجبائث فی بیت و جعل مفتاحه الذکاب (نزهة الناظر و تنبیه الخاطِر، قرن پنجم، ص ۳۱۳ * بحار الانوار علامه مجلسی، قرن یازدهم، ج ۷۲، ص ۲۶۳ و ج ۷۸، ص ۳۷۷ و ۳۷۹) همه پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید آن دروغ است. بر اساس این حدیث امام عسکری (ع) دروغ کلید همه خیانت‌هاست. واژه خیانت که در گفتار امام آمده است جمع خیبت و از ماده خبت بر وزن قفل به معنای کارهای بد و زشت و پلید و ناپاک و مورد تنفر است. در قرآن کریم خیبت در مقابل طیب به کار رفته است. (سوره آل عمران، آیه ۱۷۹، نساء، آیه ۲، مائده، آیه ۱۰۰) در فرهنگ اسلامی خیبت کار خلاف شرع و حرام و گناه است. در این حدیث با یک تمثیل اثر و پیامدهای دروغ بیان شده است. خیانت‌های فردی و اجتماعی در منزلی نهاده شده که کلید آن دروغ است. گاهی انجام یک گناه سبب ارتکاب گناهان دیگری می‌شود. دروغ از این گناهان است. بر طبق این بیان امام عسکری (ع) ارتباط و پیوند میان خیانت و دروغ ساختاری و بنیادین است. انسان‌ها با دروغ گرفتار گناهان می‌شوند. کلمه «مفتاح» در این تبیین، نقش کلیدی دروغ در آلودگی به خیانت را نشان می‌دهد. کلید خانه خیانت، دروغ است. این تعبیر تنفر شدید امام حسن عسکری (ع) از دروغ‌گویی و دروغ‌گویی را نشان می‌دهد. برای آدم دروغ‌گو راه گناهان و زشتی‌ها و پلیدی‌ها گشوده و در خانه خیانت به روی او باز می‌شود. در جامعه زمانی که اثر و پیامد یک چیز قطعی و جزئی باشد می‌گویند آن کار نقش کلیدی در آن پیامدها دارد. با دروغ که کلید در خانه خیانت است قفل در این خانه باز می‌شود. در واقع دروغ گناه بزرگی است چون تولید خیانت و گناهان گوناگون می‌کند.

دروغ چه شوخی و چه جدی نقش کلیدی خود را دارد و فرد و جامعه را به فساد می‌کشانند. در منطق اهل بیت (ع) دروغ بسیار زشت و بد و پلید و منفور است. بنابراین پیروان اهل بیت (ع) باید همواره از دروغ پرهیز کنند. امام حسن عسکری (ع) با این تمثیل خانه و کلید. در واقع پلیدی دروغ را نشان داده و از آن نهی کرده‌اند. دروغ‌گویی است که به خیانت فراوان گرفتار خواهد شد. با دروغ‌گویی اعتمادها از بین می‌رود و روابط اجتماعی و تعهدات سست می‌شوند. دروغ آسیب‌های فراوانی به همراه دارد و ضربه اساسی بر بیکر اخلاق اسلامی می‌زند. دروغ آثار ویرانگر و تخریبی دنیایی و عواقب هولناک اخروی دارد. دروغ گفتن از تک‌تک آدم‌ها بد است و از مدیران و کارگزاران حکومت بدتر. چون آثار سوء فراوانی دارد و مردم را به حکومت و کارگزاران آن بدبین می‌کند.

ماه در میان نیزه‌ها

خواندن در مورد چالش‌های زندگی بزرگان یکی از موارد جالب و مورد علاقه است خصوصاً که اگر روایت آن به قلمی نرم و روان باشد. کتاب مد نظر امروز در مورد دوره کوتاه حیات حضرت امام حسن عسکری (ع) است. حیات پرپرکت ایشان در نگاه کلی به سه بخش تقسیم می‌شود. بخش نخست که از تولد تا چهار سال و چند ماهگی از عمر شریف حضرت است که در مدینه به سر می‌شود و سپس تا ۲۳ سالگی در جوار پدر بزرگشان در سامرا زیست می‌کنند. هر دو این بزرگواران در محله‌ای به نام عسکر که قرارگاه نظامی در شهر سامرا بوده است زندگی می‌کردند و به همین سبب ایشان به امام حسن عسکری لقب یافته‌اند. یازدهمین پیشوای شیعیان تا ۲۹ سالگی یعنی شش سال و چند ماه بعد از شهادت امام دهم در سامرا ولایت و پیشوایی بر مسلمانان را بر عهده گرفت. کتاب «ماه در میان نیزه‌ها» نوشته مهدی قزلی است و در رابطه با زندگانی، شخصیت، سلوک فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امام حسن عسکری (ع) نوشته شده است.

مؤلف در این اثر سعی کرده است تا با استفاده از منابع تاریخی به زوایا و شرایط زندگی امام یازدهم شیعیان بپردازد و نکات اخلاقی و سیره اخلاقی این امام همام را با رویکردی تاریخی برای مخاطبان عرضه کند. در این کتاب پس از بیان چگونگی ولادت حضرت، القاب و کنیه ایشان درباره طریقه به امامت رسیدن امام حسن عسکری (ع) و اتفاقاتی که در دوران حیات ایشان افتاد و سخت‌گیری‌هایی که از طرف حکومت عباسیان بر حضرت گرفته و منع‌هایی که در زمینه‌های مختلف برایشان اعمال می‌شد حتی تلاش‌هایی که برای نابودی فرزند ایشان انجام شده بود، توضیحاتی داده شده است.



مردم ۱۳۳ تن هستند

مردم در یک بررسی کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند: عده‌ای که دنباله‌رو دین خدا و اهل بیت (ع) اند، عده‌ای که مقابل دین و اهل بیت (ع) قرار گرفته و دنبال مقاصد دنیوی خود هستند و گروه سوم که مقابله نمی‌کنند، اما خیلی هم اهمیت نمی‌دهند و دنبال حاکمیت می‌روند. چه ظالم باشد چه عادل. در این میان گروه اول مقیدند به اهل بیت (ع) بنگرند چون ائمه (ع) را مظهر صفات جلال و جمال الهی می‌دانند. دیده به امام به عنوان حجت‌ال... بر جمیع خلق دارند و قول و فعل او را ملاک عمل قرار می‌دهند.

امام عسکری (ع) و قبل از ایشان امام هادی (ع) زوالی را در پیش گرفتند که مردم به ندیدن امام (ع) عادت کنند چون قرار بود عصر غیبت امام مهدی (ع) آغاز شود و سال‌ها امام زمان (ع) در میان مردم ظهور نداشته باشند لذا آن حضرات (ع) از مردم فاصله گرفتند و در میان مردم کمتر ظاهر می‌شدند تا مردم به تدریج عادت کنند که می‌شود کسی حجت خدا باشد. مادر دید آن‌ها نباشد و این چنین مسئله غیبت را جانداختند.



امام زمان (ع) نیز در ادامه سیاست عادت دادن مردم به عدم ظهور امام (ع) غیبت صغری داشتند و یک مرتبه و به طور کلی ارتباطشان را با جامعه قطع نکردند بلکه از طریق نواب اربعه با جامعه ارتباط گرفته و فرامین و دستورات و راهنمایی‌های لازم را به مردم عرضه می‌کردند. این تدبیر و راهبرد باعث شد که مردم پذیرای غیبت شوند و بی‌بیزندگی می‌شود امام معصوم (ع) باشد. اما در میان مردم ظهور نداشته باشد. این نواب رابط بین امام (ع) و مردم بودند و سؤالات آن‌ها را به امام (ع) رسانده و پاسخ ایشان را هم دریافت کرده و به صاحبان سؤال می‌رساندند.

امام معصوم (ع) تربیت مردم را بر عهده داشتند و تربیت در هر زمانه‌ای راه و روش خود را دارد چنان‌که در زمان برای یکی قرص و داروست و برای دیگری جراحی؛ امام عسکری (ع) در حیات کوتاه خود وظیفه جانداختن مسئله مهم غیبت را بر عهده داشتند تا ندیدن امام (ع) به منزله نفی امامت تلقی نشود. برنامه‌ریزی برای حفظ جان امام زمان (ع)، معرفی ایشان به خواص از شیعه، آماده کردن مردم به پذیرش این امر بی سابقه و اینکه لازمه بودن امام (ع)، دیدن ایشان نیست همه اقداماتی است که حضرت عسکری (ع) با وجود خفقان و فشارهای موجود، موفق به انجام آن شدند.

ایجاد شبکه عظیم تبلیغاتی و تعلیماتی جهانی

آئمه مستقیمی ائمه (ع) به تعبیر رهبر معظم انقلاب، انسانی ۲۵۰ ساله با یک هدف و آرمان هستند، اما هر یک در این آرمانخواهی و مسیر راه و راهبرد خاص خود را به تناسب زمانه داشته‌اند مثل امام حسن عسکری (ع) که در آستانه سخت‌ترین دوره تاریخ یعنی عصر غیبت، امامت را بر عهده داشته و باید جامعه را برای این دوران تاریک و پرفراز و نشیب آماده می‌کردند. به مناسبت سالروز ولادت ایشان با آیت‌... رحیم توکل، عضو خبرگان رهبری درباره این زمینه‌سازی‌ها گفت‌وگو کرده‌ایم.



نامه‌نگاری با شیعیان

از راه‌های ارتباطی شیعیان با امام عسکری (ع)، مکاتبه بود؛ در کتاب کمال الدین آمده است ایشان اندکی قبل از شهادت، نامه‌های متعددی را نوشتند، شیعیان نیز در مسائل و موضوعات مختلف برای ایشان نامه می‌نوشتند و پاسخ آن را دریافت می‌کردند. ایشان در این نامه‌ها هم تأکید داشتند زمین بدون حجت خدا باقی نمی‌ماند و این حجت نعمتی است که خدا، بندگانش را با آن اکرام کرده است.



آیت‌... توکل، بخش عظیمی از نهادینه‌سازی و پذیرش فقها به عنوان نایبان امام معصوم (ع) از سوی مردم و رجوع آن‌ها در مسائل و مشکلات، به تلاش‌های امام عسکری (ع) بازمی‌گردد

سخنان راهگشا و زندگی‌ساز

از امام عسکری (ع) با وجود کوتاهی عمر و شرایط سخت سیاسی اجتماعی که در آن زندگی می‌کردند، سخنان و روایات پرمعنا و راهگشایی بر جای مانده که تفکر در آن‌ها و کاربرستان سخنان به تناسب شرایط و اوضاع زمان و مسائل و اتفاقات روز ایراد شده، اما نگاه بلند تاریخی هم در آن‌ها وجود دارد و امروز هم با کاربرستی آن‌ها می‌توان از آسیب‌ها مصون ماند و راه رشد را طی کرد.

جانداختن رجوع به فقها

هرژیسی برای خودمعاونی دارد از مسئولان کشوری و لشکری گرفته تا یک مجموعه‌ای مثل مهد کودک تا در نبود آن رئیس و مدیر معاون او کارها را پیش ببرد، امام زمان (ع) ریاست و مدیریت امت را بر عهده دارند، اما وقتی ایشان غایب هستند و ظهور ظاهری ندارند، مردم برای پرسش‌های خود باید به چه کسی مراجعه کنند؟ مگر می‌شود دین خدا معاون نداشته باشد. از امام زمان (ع) است که: «اقتادر رویدادهای زمانه، به‌راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمایند و من، حجت خدا بر آنانم». کسی باید باشد و دست مردم را بگیرد مثل زمان جنگ، این نایب است که به عنوان معاون امام (ع) پاسخ‌گو و راهبر مردم است و آنچه را نمی‌دانند برایشان تبیین می‌کند.

ارتباط دهی مردم با نایبان و وکلا

بخش عظیمی از این نهادینه‌سازی و پذیرش فقها به عنوان نایبان امام معصوم (ع) از سوی مردم و رجوع آن‌ها در مسائل و مشکلات، به تلاش‌های امام عسکری (ع) بازمی‌گردد که از طریق وکلای خود در سراسر جهان اسلام با مردم ارتباط گرفته و پاسخ سؤالات را از طریق آن‌ها بیان کرده و آن‌ها را عادت دادند که با واسطه با امام در ارتباط باشند همین سیاست باعث شد مردم با شهادت ایشان سرگردان نشوند و با نواب امام زمان (ع) ارتباط بگیرند. این نمره یک حرکت عظیم تبلیغاتی و تعلیماتی بود.

قال الإمام الحسن العسکری (ع) : مَنْ وَعَطَ أَحَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَطَهُ غَلَابَةً فَقَدْ شَانَهُ، «تحف العقول، ص ۴۸۹»

روشنا

امام حسن عسکری (ع)؛ هرکسی دوست و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده و چنانچه علنی موعظه کند سبب ننگ و تضعیف او گشته است.

بوی خوش نرگس

دوستان بشار بر بن سلیمان به بغداد فرستادند و از او می‌خواهند تا به محلی که برده‌ها را به فروش می‌رسانند رفته، سراغ فروشندگی به نام عمرو بن یزید را بگیرد که کنیزی را دارد و به زبان رومی فریاد می‌زند: «حتی اگر موعود (ع)». دختر امیرانوری روم شرقی بوده است که پیرو توصیه‌ای که به ایشان در عالم رؤیا شده، خودش را به بردگی فروخته تا در عراق به سفارش امام هادی (ع) بدر امام حسن عسکری نجات پیدا کند. «حضرت هادی (ع) در روایت آمده است، به همراه ۲۰۰ دینار نامه‌ای به خط رومی به همراه ۲۰۰ دینار در کیسه قرمز رنگی قرار داد، به همراه

حافظ امنیت مردم، زینت حاکمیت!

محمدرضا شهیدی امنیت‌سازان و امنیت‌بانان برای ما اجری ملاحظه و ارزشی روزافزون دارند. ما پلیس خود را صرفاً یک نهاد اجتماعی نمی‌دانیم که کارکردش تولید و توسعه امنیت است. پلیس در نگاه ما علاوه بر این، شأن یافته به تحریر کلام معصوم است. ارزش یافته به کلام امیر مومنان (ع) که جایگاهش را چنین تبیین فرموده است: الْجُودُ بَادِنٌ... حُضُورُ الرَّعْبَةِ وَرِزْنُ الْوَالِدَةِ وَعَزْلُ الدِّينِ وَسُبُلُ الْأَمْنِ وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعْبَةُ إِلَّا بِهَمِّ سُرْبَانٍ، به اذن خداوند، دژ مردم، زینت زمامداران، مایه عزت دین و امنیت‌اند و کار شهروندان، جز به آن‌ها استوار نمی‌شود. استواری امروز امور شهروندان به برکت جایگاه یافتن پلیس در نظام اجتماعی است. با حضور مؤثر ایشان است که مردم به آرامش می‌رسند و زمام‌داران امور از زینت برخوردار می‌گردند. عزت نیز رهبن امنیت است که پلیس فراهم می‌آورد. قیمتی گوه‌ری که اگر خدای نکرده نباشد، عزتی نخواهد ماند چنان‌که عفت و امنیت هم نمی‌ماند. ما ایرانیان این افتخار را داریم که روزهایمان را در سرزمینی به شب می‌رسانیم که با هوشیاری پلیس و ایفای نقش بااسته مردان سزپوش شهر و خاکی پوشان مرز، نفس‌هایمان به شماره نمی‌افتد. شب‌ها هم امن‌تر از روزها رقم می‌خورد تا متجاوزان نتوانند رقم مغالطه بر دفتر زندگی مردم زنند. ما دارای بهترین وطن‌ها هستیم چه در کلام امام علی (ع) مفهوم مخالف آن را چنین خوانده‌ایم که: سُرُّ الْأَوْطَانِ مَالٌ يَأْتِي فِيهِ الْقَطْلُ، بدترین وطن، وطنی است که ساکنانش در آن ایمن نباشند، بله اگر به اطراف ایران عزیز نگاه کنیم خواهیم دید سرزمین‌هایی که به این صفت‌ترین گرفتارند، به سلامت که بیرون می‌روند نمی‌دانند حتی تن زخمی خود را به خانه خواهند کشید یا نه. معلوم است که روزگاری چنین مردمانش را از وطن فراری خواهد داد چه رسول اعظم (ص) خاکی چنین را بی‌خبر می‌خوانند:

حکم خونی که گاهی در تخم مرغ پیدا می‌شود، چیست؟



آیات عظام بجهت، تبریزی، صافی، نوری و وحید: این خون بنا بر احتیاط واجب نجس است و باید از آن اجتناب شود. اگر خون در زرده باشد (تا پوست نازک روی آن پاره نشده)، سفیده پاک است.

آیت‌... العظمی مکارم شیرازی: کافی است خون موجود در تخم مرغ را بردارند و دور بزنند و بقیه پاک و حلال است. اما اگر عمداً به هم بزنند تا مستهلک شود، خوردن آن اشکال دارد.

آیت‌... العظمی سیستانی: این خون نجس نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود. اگر خون در زرده باشد (تا پوست نازک روی آن پاره نشده)، سفیده پاک است.